

این کیست این؟ این کیست این؟ در حلقه ناگاه آمده
این نور الهی ست این، از پیش الله آمده
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۲۷۹
غزل شماره ۲۲۷۹ از دیوان شمس مولانا:

آگاهی از مرکز عدم و هشیاری جدیدی قابل دسترسی برای انسان. هشیاری که مطابق انتظارات و سبب سازی های ذهنی کار نمی کند.
آگاهی از هشیاری جدید با دیدی متفاوت از دید ذهن، دیدی بدون مقاومت و قضاوت، متفاوت از جهان فرم.

رحمتی بی علتی بی خدمتی
آید از دریا مبارک ساعتی
مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۳۶۲۴

آگاهی از حضور هشیاری جدیدی بدون هیچگونه علل و اسباب ذهنی، در لحظه مبارک تسلیم و فضاگشایی در برابر اتفاق این لحظه.
هشیاری که بس دولت و نیکبختی به همراه دارد و چاره بد اختری و درد و پایان قصه غصه است. آگاهی و قرین شدن با هشیاری که با
نور الهی و شناسایی خود روشن می سازد که واکنش در برابر اتفاق این لحظه است که آسیب زننده است، نه اتفاق این لحظه.

یار را با یار چون بنشسته شد
صد هزاران لوح سر دانسته شد

لوح محفو طیست پیشانی یار
راز کونینش نماید آشکار
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۲۶۴۱ و ۲۶۴۲

آگاهی و قرین شدن با هشیاری که راز دو جهان درون و بیرون را آشکار می سازد. راز زنده شدن به زندگی و ثبات و استقرار مرکز عدم و
جنسیت اصلی خود. ثبات و استقراری تحت تاثیر نیروی شگفت آور قرین. آگاهی از هشیاری که خوی فراوانی و حسن و زیبایی خرد، حس
امنیت، هدایت و قدرت، و بوی شادی و طراوت زندگی را به همراه دارد.
آگاهی از هشیاری کیمیاگری که به ناگاه هر گونه فکر همانیده را به حقیقت تبدیل می کند. هر گونه هیجان منفی از قبیل خشم و ترس و
حسادت را به حقیقت تسلیم و فضاگشایی، هر گونه پندار کمال و دانستن های ذهنی را به حقیقت ندانستن و سکوت. آگاهی جان از چنان
هشیاری است که سبب سعادت و دولت، و دوری از آن رنج و دردی بی پایان و سبب غفلت است.

جور دوران و هر آن رنجی که هست
سهل تر از بعد حق و غفلت است

زانک اینها بگذرند آن نگذرد
دولت آن دارد که جان آگه برد
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۱۷۵۶ و ۱۷۵۷

-مریم، اورنج کانتی